



واکسیناسیون هپاتیت B؛ ترس آفرینی برای سرکیسه کردن مردم

هپاتیت B در مطب‌ها و شلوغی انستیتو پاستور (که تنها مرکز دولتی تزریق این واکسن است، آن هم در ازای هر نوبت ۲۶۰۰۰ ریال!)، کوشیده‌اند از فرهنگسراها برای گسترش امکانات واکسیناسیون هپاتیت B بهره بگیرند. اما چند روز بعد، اعتراض مقامات ارشد وزارت بهداشت و درمان به دخالت سازمان فرهنگی-هنری شهرداری در تزریق واکسن هپاتیت B این خوش بینی را زایل می‌کند و علامت سؤال بزرگی را در مورد روند این برنامه در اذهان منقوش می‌سازد.

واقعاً چه کاسه‌ای زیر نیم کاسه است؟ چه کسانی وزارت مربوطه را دور زده‌اند و واکسن‌های هپاتیت B را در اختیار سازمان فرهنگی-هنری شهرداری تهران قرار داده‌اند؟ کسانی که حافظه‌ای نیرومند دارند، فراموش نکرده‌اند چند ماه قبل، انحصار توزیع سیگار در کشور به حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی واگذار شد و سر و صدای زیاد و البته بی نتیجه‌ای را برانگیخت. سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران نیز زیر نظر همین حوزه (که تا همین اواخر ریاست آن با حجت الاسلام زم بود) اداره می‌شود.

بدین لحاظ این اندیشه به اذهان افراد کنجکاو خطور می‌کند که ماجرای تزریق واکسن هپاتیت B نیز به نوعی با تجارت، آن هم تجارت‌های انحصاری، ارتباط دارد. این اندیشه زمانی تقویت می‌شود که با فاصله کوتاهی پس از جلوگیری از تزریق این واکسن در فرهنگسراها، خبر می‌رسد که راه جدیدی برای واکسن فروشی ابداع شده است. بدین ترتیب که در مدارس به دانش‌آموزان گفته می‌شود

ساده را مطرح کند. این پرسش که اگر به راستی هپاتیت B یک بیماری همه‌گیر شده، چرا دولت بویژه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی برنامه‌ای مدون برای واکسیناسیون همگانی اعلام نمی‌کنند و چرا اقدام به یک اطلاع‌رسانی منسجم و متمرکز نمی‌شود؟ چرا فقط باید شایعات دهان‌به‌دهان شود و کسانی از یک کلاغ چهل کلاغ بسازند؟

هر چه هست، ماجرای هپاتیت B و تشویق منابع نامرئی برای کشاندن مردم به مراکزی که

شاید خبری نباشد. شاید هم خیلی خبرها باشد.

این جمله نتیجه یک بررسی یک ماهه در مورد روند مشکوکی بود که از مدتی قبل در زمینه واکسیناسیون هپاتیت B انجام شد و گزارشگری که مامور این بررسی بود، آن را در اوایل مهر امسال برزبان آورد.

چند سالی است که از شیوع گسترده هپاتیت B در جامعه ما خبرهایی منتشر می‌شود. خبرهایی که معلوم نیست از کجا منشأ می‌گیرد



مبادرت به واکسینه کردن مردم در مقابل این بیماری می‌کنند، بی سر و صدا و بدون آن که شک و تردیدی را موجب شود، ادامه می‌یابد. شک و تردید زمانی آغاز می‌شود که چشم مردم به پرده‌هایی می‌افتد که بشارت می‌دهد فرهنگسراهای وابسته به شهرداری تهران، بخش واکسیناسیون هپاتیت B دایر کرده‌اند! اکثر شکاکان باز هم بنا را بر حسن نیت می‌گذارند و نزد خود چنین استدلال می‌کنند که "مقامات مربوطه" با توجه به گرانی تزریق واکسن

و مستند به کدام پژوهش علمی است. اما هر که را می‌بینی، یکی از نگرانی‌هایش، امکان ابتلا به هپاتیت B است.

باور عمومی در مورد همه‌گیر شدن این بیماری چنان جایگاهی می‌یابد که حتی پزشکان از سر دلسوزی و خیرخواهی به اطرافیان و بیماران خود توصیه می‌کنند بروید و خود و خانواده تان را در مقابل بیماری هپاتیت B واکسینه کنید.

در این میان، اما کسی نیست که یک پرسش

که باید سه بار انجام شود، مبلغی در حدود ۴۵۰۰ تومان سود نصیب می‌شد.

پی‌گیری‌های "گزارش" دخالت یک موسسه را که نوعی "تعاونی خاص" است، در ماجراهای اخیر (کشاندن واکسیناسیون هپاتیت B به فرهنگسراها و مدارس) به پیش‌نما آورد. پس از آگاهی بر این دخالت با دکتر گویا، رییس مرکز مدیریت بیماریهای وزارت بهداشت و درمان تماس گرفتیم و با اشاره به ماجرای واکسیناسیون در فرهنگسراها پرسیدیم:

در گذشته شما با مرکز تحقیقات گوارش و کبد در مورد هپاتیت B جلسات متعددی برگزار کرده‌اید و لذا به راحتی می‌توانستید بدون ایجاد حساسیت حتی با تماس تلفنی، نقطه نظریات خود را به آنان بگویید. چرا اینکار را نکردید؟

دکتر گویا در پاسخ کوتاه خود فقط گفت: ما وقتی موضوع را فهمیدیم که روزنامه‌ها خبر واکسیناسیون سراسری را از سوی شهرداری منتشر کردند. در چنین شرایطی ما بهترین برخورد را کردیم.

ما در کمیته کشوری هپاتیت B با در نظر گرفتن مجموع شرایط و منافع تصمیم می‌گیریم. برای آن که یک به قاضی نرفته باشیم، نظر یک مقام مسوول در شهرداری تهران را در مورد علت دخالت این نهاد غیرمسوول در امری که فقط در حیطه تخصص و اختیارات وزارت بهداشت و درمان است، جویا شدیم.

سید محمدرضا تقی‌زاده مدیریت امور اجتماعی سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران که از سوی سازمان مذکور، مسوول هماهنگی با مراکز تحقیقات گوارش و کبد بوده است در این مورد به "گزارش" گفت: آقای ملک‌زاده (وزیر اسبق بهداشت) ریاست مرکز تحقیقات گوارش و کبد طی نامه‌ای به حجت الاسلام زم پیشنهاد کرد که سازمان فرهنگی - هنری با قرار دادن فرهنگسراها و مکانهای فرهنگی خود در اختیار کارشناسان مرکز تحقیقات در طرح اطلاع‌رسانی هپاتیت B مشارکت داشته باشد.

وی خاطرنشان کرد: طی جلساتی که با آقایان داشتیم و جوانب مختلف اجرای طرح اطلاع‌رسانی را سنجیدیم، آنها گفتند که "بر حسب تجربه، مردم در مورد واکسیناسیون

که همه در معرض خطر ابتلا به هپاتیت B قرار دارند؟

سابقه امر نشان می‌دهد از زمانی که هپاتیت B با درصدی که در بالا ذکر شد، در کشور شایع است، اقدام به ورود واکسن آن از فرانسه شد. این واکسن را منحصراً انستیتو پاستور وارد می‌کرد و خود نیز واکسیناسیون را در مورد گروههای فوق‌الذکر و همچنین افرادی که امکان ابتلایشان به این بیماری ویروسی وجود داشت، انجام می‌داد.

بعداً، به دلایلی نامشخص واردات این واکسن از فرانسه قطع شد و خریداران ایرانی به سراغ کوبا رفتند و شروع به وارد کردن

**چند سال در جامعه شایع کردند
که خطر ابتلای همگانی به
هپاتیت B جدی است، همه باید
واکسینه شوند... قیمت یک
نوبت واکسیناسیون را به ۹ هزار
تومان هم رساندند، اما سرانجام
حقایق از پرده بیرون افتاد و
تیرهای مال‌اندوزان به سنگ
خورد**

واکسن هپاتیت B از این کشور کردند. هم‌اکنون نیز این واکسن منحصراً از کوبا وارد می‌شود و به قراری که مطلعین گفته‌اند، این واردات در اختیار انستیتو پاستور است.

کوشش ما برای پی‌بردن به قیمت تمام‌شده و دقیق این واکسن به نتیجه‌ای نرسید، ولی از قراری که افراد مطلع گفته‌اند هر واکسن یک هزار تومان تمام می‌شود. ارزان‌ترین تزریق آن در انستیتو پاستور انجام می‌شود که افراد برای هر نوبت (هر واکسن) باید ۲۶۰۰ تومان بپردازند. قرار بود واکسیناسیون در فرهنگسراهای شهرداری و نیز مدارس با همین قیمت انجام شود. بنابراین در ازای واکسیناسیون هر فرد

برای حفظ سلامتشان، تصمیم گرفته‌اند آنها را علیه هپاتیت B واکسینه کنند، بنابراین هر دانش‌آموز باید بابت سه نوبت تزریق ۷۵۰۰۰ ریال بپردازد!

این برنامه را چه کسی ریخته است؟ وزارت بهداشت از آن خبر دارد؟ بین وزارت آموزش و پرورش و وزارت بهداشت هماهنگی شده است؟ این برنامه در مدارس سراسر کشور اجرا می‌شود یا فقط در تهران؟ و...؟ نتیجه بررسی این است:

فقط در تعدادی از مدارس تهران اجرای این برنامه به اطلاع دانش‌آموزان رسیده است. کوشش برای شنیدن توضیحی از مقامات وزارت آموزش و پرورش و بهداشت در این باره نیز به جایی نمی‌رسد.

بدین ترتیب مشخص می‌شود حدس‌ها در مورد دخالت نوعی تجارت در واکسیناسیون هپاتیت B چندان هم خیال‌پردازانه نیست.

واقعیت چیست؟

در یک گزارش علمی آمده است: "در ایران به طور متوسط سه درصد از مردم ناقل ویروس هپاتیت B [B] هستند ولی میزان شیوع در استانهای مختلف متفاوت است. مثلاً در سیستان و بلوچستان بیش از ۵ درصد و در فارس ۱/۷ درصد می‌باشد. براساس یک مطالعه که بر روی ۲۵۰۰۰ نفر از اهداکنندگان خون در تهران صورت گرفته است، مشخص شده که در ۳/۶ درصد از مردان و ۱/۶ درصد از زنان تهرانی [ادارای] HBSAg مثبت نیز بودند و این مسأله نشان‌دهنده این است که حدود ۴۰ درصد از افراد جامعه ما با این ویروس تماس داشته و عفونت را کسب کرده‌اند، ولی فقط سه درصد آنها ناقل ویروس باقی مانده‌اند..." (مجله طب و تزکیه شماره ۴۱ - صفحه ۶۲).

این واقعیت نشان می‌دهد هپاتیت B یک بحران بهداشتی نیست. از همین رو، مراکز عالی تصمیم‌گیری در امور بهداشتی فقط واکسیناسیون را برای گروههایی خاص (نظیر جراحان، کسانی که در زمینه اهدای خون، گرفتن خون، پالایش خون درگیر هستند، دندانپزشکان و...) مورد توصیه و تأکید قرار داده‌اند. بنابراین چه اصراری است که عده‌ای همگان را دچار اضطراب کنند و چنین بنمایانند

از زمینه مساعدان یک سو و امکانات و نفوذ خود، از سوی دیگر، لقمه های چرب و نرمی از این سفره بگیرند.

تا این جا، کارها بر وفق مراد پیش می رود. اما ظاهراً به دلیل تضاد منافع تقاضیه درمی آید و لذا وزارت مسوول سکوت را می شکند و ۱۳ آبان دکتر بیژن صدری زاده مشاور وزیر بهداشت و درمان در امور بهداشتی اعلام می کند با توجه به برخی آمار و ارقام و نظر سازمان جهانی بهداشت، ایمن سازی کل گروه های جمعیتی در ایران استراتژی مناسبی برای [مقابله با] هیپاتیت نیست.

عجبا!

چرا آقای دکتر صدری زاده این مطلب را پیش تر، حتی در ۳۱ شهریور اعلام نکرد؟ چرا این مطلب زمانی اعلام شد که "تضاد منافع" گروه های ناشناسی که نبض بازار دارو و درمان را در دست دارند، اجرای نقشه های وسیع برای کشاندن مردم به صف های واکسیناسیون هیپاتیت B را با مانع مواجه کرد؟

برای نتیجه گیری نهایی، هیچ سندی دقیق تر از صورت جلسه ای که روز ۸/۶/۳۱ تهیه شده و نام مشاور وزیر بهداشت و درمان (دکتر صدری زاده) هم در بین کنندگان آن دیده می شود، وجود ندارد. باید مفاد این صورتجلسه را خواند، مندرجات آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد، تاریخ آن را با تاریخ های ذکر شده در فرازهای قبلی این گزارش تطبیق کرد تا متوجه شد اصل قضایا در زمینه دارو و درمان چیست. اینک متن آن صورتجلسه:

بسمه تعالی

صورتجلسه: هیپاتیت مورخ ۸/۶/۳۱
عنوان جلسه: هماهنگی برگزاری بسیج اطلاع رسانی هیپاتیت در سال ۱۳۸۰
اعضاء شرکت کننده:

آقایان: دکتر بلورچی، دکتر پوستچی، دکتر دریانی، دکتر ریسی، دکتر صدری زاده، دکتر گویا، دکتر ملک افضلی، دکتر یادگاری و دکتر یگانه.

خانمها: دکتر کمالی و حاج رسولیها
پس از خیر مقدم و بیان اهداف ابتدا به منظور هماهنگ کردن سیاستهای آموزشی و اطلاع رسانی بر روی رؤس مطالبی که باید به

فعالیت شرکت متبوعش شدیم. ایشان گفت: ما مقداری واکسن داشتیم که بنا به درخواست مرکز تحقیقات و گوارش، آنها را برای استفاده در طرح مبارزه با هیپاتیت B در اختیار قرار دادیم. شایان ذکر است شرکت تعاونی شرکتی تازه تأسیس (۷۹/۱۱/۱۸) است که محوریت فعالیت خود را هیپاتیت B قرار داده است. مجوز ورود واکسن های فعلی را این شرکت در زمان آقای آذرنوش (معاون سابق غذا و دارو) دریافت کرده است.

نتیجه گیری

چند سال است در سطح جامعه شایعه پراکنی می شود که شیوع هیپاتیت B در ایران به

سؤال می کنند و ما آنها را به انستیتو پاستور راهنمایی می کنیم در حالی که مردم انتظار دارند همانجا و در جلسات اطلاع رسانی از خدمات واکسیناسیون بهره مند شوند، از اینرو برای تسهیل در امر، ما با نظارت متخصصان خود می توانیم به همان قیمت انستیتو پاستور به متقاضیان واکسن بزنیم.

به همین دلیل، ما نیز با قرار گرفتن واکسیناسیون همراه با برنامه اطلاع رسانی در طرح مبارزه با هیپاتیت B موافقت کردیم.

دکتر پوستچی رییس مرکز اطلاع رسانی هیپاتیت B (وابسته به مرکز تحقیقات گوارش و کبد) و مسوول طرح مبارزه با هیپاتیت B نیز اظهارات فوق را تأیید کرد. از اینرو از ایشان در



مرکز خطر رسیده است. مردم به وحشت می افتند و به انستیتو پاستور هجوم می برند و در صف های طولانی نوبت می گیرند. بازار واکسن هیپاتیت B داغ می شود و به طرز مشکوکی واردات آن رونق می گیرد و در این میان، تعدادی از مراکز درمانی خصوصی و مطب ها نیز وارد عمل می شوند و شروع به تزریق این واکسن می کنند. قیمت ها برای هر نوبت تزریق از ۴۵۰۰ تومان تا ۹۰۰۰ تومان است.

در مرحله بعد، شیرینی این بازار برخی افراد صاحب مقام و تعدادی از نهادهای منفعت طلب را وسوسه می کند به میدان بیابند و با استفاده

مورد منبع تأمین واکسن ها سؤال کردیم. وی پاسخ داد: این واکسنها را از طریق یک شرکت پزشکی تأمین کردیم.

موضوع وقتی جالب تر شد که درصدد یافتن نام این شرکت برآمدیم و پس از کنکاش فراوان پی بردیم نام آن، شرکت تعاونی پزشکی، بهداشتی ... است و نام مدیرعامل این شرکت نیز در میان نمایندگان مرکز تحقیقات گوارش و کبد برای اجرای طرح مبارزه با هیپاتیت B مشاهده می شود!

با مدیرعامل شرکت مذکور نیز تماس گرفتیم و خواستار ادای توضیحاتی در مورد

دیگر در گروهی از افراد (بخصوص افراد مسن، چاق، سیگاری) و اکسن کارایی لازم را ندارد. لذا تزریق این واکسن برای کلیه افراد جامعه الزامی نیست.

در آموزشهای گروههای پزشکی لطفاً همکاری با معاونت سلامت دانشگاههای علوم پزشکی محل خدمت به منظور بهبود وضعیت گزارش دهی و ثبت کشوری موارد کشف شده ترویج شود.

در تهیه این گزارش، آقای علیرضا شاکر با تحریریه مجله همکاری صمیمانه‌ای داشته‌اند.

توده مردم آموزش داده شود، بحث شده که متن تکمیل شده به پیوست ارسال می‌گردد.

گروههای مورد هدف برای آموزش از این قرار تعیین شدند:

الف: توده مردم
ب: افراد آلوده و افراد خانواده ایشان
ج: افراد با رفتارهای پرخطر یا در معرض خطر
د: پرسنل پزشکی و پیراپزشکی و علی‌الخصوص دندانپزشکی در زمینه‌های شناخت، نحوه برخورد با بیماران، اصول استریلیزاسیون و احتیاطات همه‌جانبه و ترویج همکاری با نظام مراقبت کشوری. برای نحوه انجام این آموزشها علاوه بر بحثها و میزگردها از طریق صدا و سیما، تهیه متن‌های آموزشی و برگزاری کارگاهها و سمینارهای بازآموزی برای پزشکان متخصص (گوارش، داخلی، اطفال) پزشکان عمومی، کارشناسان بهداشت و بهورزان با همکاری اساتید محترم و نیز تهیه پروتکل سوشهای تشخیص آزمایشگاهی با همکاری اداره کل امور آزمایشگاهها.

تأکید بر نظارت بر نحوه فعالیت‌های دندانپزشکان و رعایت اصول احتیاطات همه‌جانبه توسط مسوولان امر اطلاع رسانی به این قشر در مورد امکانات استفاده از وسایل یکبارمصرف با صرف هزینه کمتر در کنار آموزشهای لازم.

افراد در معرض خطر عبارتند از: دانشجویان گروه پزشکی، جراحان، پزشکان، پرستاران، ماماها، دندانپزشکان، بیماران تحت دیالیز، کارشناسان و تکنیسین‌های آزمایشگاههای تشخیص طبی، پرسنل مؤسسات نگهداری کودکان عقب افتاده و خانه سالمندان، دریافت کنندگان محصولات خونی و خانواده افراد مبتلا که با وی در یک منزل زندگی می‌کنند.

۸- این واکسن به هیچ وجه احتیاج به تزریق دوز یادآور ندارد. تنها تکمیل سه دوره واکسن بر طبق برنامه کشوری کافی است. لذا واکسیناسیون بدو ورود به مدارس به هیچ وجه ارزشی ندارد.

۹- با توجه به اینکه ۳ درصد افراد، ناقل این ویروس می‌باشند و ۲۷ درصد افراد بطور طبیعی پادتن بر علیه این ویروس دارند و از طرف

واما ماجرای "دیکلوفناک" و "پیروکسیکام"

یک ماجرای تأمل برانگیز دیگر در زمینه دارو و درمان کشورمان، حذف ناگهانی دو داروی پر مصرف "دیکلوفناک" و "پیروکسیکام" از فهرست داروهای مجاز است.

این ماجرا زمانی روی داد که ماسرگرم تهیه گزارش در مورد هیاتیت B بودیم. برخی از کسانی که برای کسب اطلاعات در مورد واکسن هیاتیت B به آنها مراجعه کردیم، به ما یادآور شدند بد نیست در زمینه این دو دارو هم تحقیقی انجام دهیم.

این است نتیجه این تحقیقات:

تولید، توزیع و مصرف این داروها که هر دو به صورت آمپول مسکن و ضد درد تجویز می‌شد، از چند سال قبل در کشور آغاز شده بود و چند کارخانه داروسازی داخلی آن را تولید می‌کردند. یک منبع می‌گفت تا کنون حدود ۱۶۰ واحد از این آمپول‌ها در کشور تولید و توزیع و مصرف شده است. ما به رقم ۱۶۰ میلیون با دیده تردید نگاه می‌کنیم و فرض می‌گیریم فقط چند ده میلیون از این آمپول‌ها تولید، توزیع و مصرف شده است.

چگونه می‌شود که سازمان‌های مسوول، پس از این همه سال و تولید و مصرف آن همه آمپول، ناگهان متوجه شوند که این دو دارو ایجاد فلج عضلانی می‌کند و سپس دستور قطع تولید و توزیع آن را بدهند؟

همان منابع گفتند به فاصله کمی از صدور دستور ممنوعیت تولید و مصرف این دو دارو، اقدام به واردات مقدار زیادی مشابه سو بیسی این دارو، به نام "ولتارن" شده است. اما کسی از نام فرد یا سازمان واردکننده این دارو اطلاعی نداشت.

نکته مهم دیگر این است که "دیکلوفناک" به بهای ۴۲۵ ریال و "پیروکسیکام" به بهای ۵۱۰ ریال در داروخانه‌ها عرضه می‌شد، حال آن که قیمت "ولتارن" ۳۲۲۰ ریال تعیین شده است.

در این قضیه، دو احتمال بیشتر وجود ندارد:

۱- تشخیص مضر بودن "دیکلوفناک" و "پیروکسیکام" صحیح و علمی و قطع تولید آن از هر شایبه‌ای مبراست. در این صورت، باید گفت وای به حال ما که سازمانهای عریض و طویل بهداشتی کشورمان پس از سالها و بعد از مصرف حداقل دهها میلیون واحد از این آمپول‌ها، مضر بودن آن را تشخیص می‌دهند. اگر صحت دارد که عده‌ای بعد از تزریق این آمپول‌ها دچار فلج عضلانی شده‌اند، جوابگوی خسارات جانی و مالی این گروه چه کسی یا چه سازمانی است؟

۲- عقیده و اظهار نظر عده‌ای درست باشد که می‌گویند درصد کسانی که به دلیل فلج عضلانی ناشی از تزریق این آمپول‌ها (که به گفته آنها در موارد متعددی موقت هم بوده) با میزان مصرفشان، چندان بالا نیست که مستند قطع تولید این دو دارو قرار گیرد. علت قطع تولید این دارو را باید در سود حاصل از واردات "ولتارن" جستجو کرد.

ما باور نداریم کسانی تا این حد از خدایی خیر، بی‌وجدان و ضد مردم و ملت باشند که برای کسب سود حاصل از واردات یا حق العمل خرید (پورسانت) چنین وضعی را بوجود آورده‌اند.

اما آیا دلیل سومی هم می‌توان برای این وضع جستجو کرد؟
ما همان دلیل اول را صحیح فرض می‌کنیم و از مقامات مسوول می‌پرسیم این چه سازمانی است که خود را متولی منحصر به فرد امور بهداشت و درمان کشور می‌داند، اما سال‌ها طول می‌کشد به مضر بودن دو دارو پی ببرد؟!

آیا این داستان فقط منحصر به همان دو دارو است یا باید آماده شویم تا در آینده خبر مضر بودن، فلج کننده بودن و حتی مرگ آفرین بودن داروهای دیگری را هم بشنویم؟!